

تحلیل وضعیت اکوسیستم کارآفرینی مؤثر بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی: بینش‌هایی از یک پیمایش در میان شالیکاران چندکاره حوضه آبریز دشت هراز

هادی مؤمنی‌هلالی^۱، حسن صدیقی^{۲*}، محمد چیدری^۳ و عنایت عباسی^۴

(دریافت: ۹۸/۰۶/۱۷؛ پذیرش: ۹۸/۰۹/۳۰)

چکیده

وجود اکوسیستم کارآفرینی مناسب در مناطق روستایی تا حدود زیادی تضمین‌کننده پایداری کسب و کارهای روستایی است. هدف اصلی این تحقیق، تحلیل شکاف وضعیت موجود و مطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی در حوضه آبریز دشت هراز بود. تحقیق حاضر به روش پیمایشی انجام گرفته و داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ جمع‌آوری شده است. جامعه آماری تحقیق را شالیکاران چندکاره در حوضه آبریز دشت هراز تشکیل داده‌اند که تعداد ۱۸۲ نفر با بهره‌گیری از نمونه‌گیری گلوله‌برفی شناسایی شدند. در بررسی وضعیت موجود اکوسیستم کارآفرینی روستایی نتایج نشان داد که مؤلفه‌ی سرمایه‌ی انسانی در اولویت اول قرار دارد. این در حالی است که مؤلفه‌های سیاست و تأمین مالی به ترتیب در پایین‌ترین اولویت قرار گرفتند. همچنین، نتایج نشان داد که در سنجش وضعیت مطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی، مؤلفه‌ی بازار در اولویت اول قرار دارد. این در حالی است که مؤلفه‌های تأمین مالی و سیاست به ترتیب در پایین‌ترین اولویت قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون ویلکاکسون نشان داد، عمیق‌ترین شکاف بین وضعیت مطلوب و موجود به مؤلفه‌های تأمین مالی و سیاست تعلق دارد.

واژه‌های کلیدی: فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی، مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ، حوضه آبریز دشت هراز.

^۱ دانشجوی دکتری گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۳ استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۴ دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول، پست الکترونیک: sadigh_h@modares.ac.ir

مقدمه

مطابق با سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران، یکی از سیاست‌های مهم در برنامه‌های پنج ساله موضوع توسعه‌ی روستاها می‌باشد (بی‌نام، ۱۳۸۲). توجه به مناطق روستایی به‌عنوان زیرنظام تشکیل‌دهنده‌ی یک کشور، ضروری و متضمن توسعه پایدار آن کشور است (رضوانی، ۱۳۸۳) و پایداری نواحی روستایی که تابعی از عوامل طبیعی، اقتصادی و اجتماعی است، می‌تواند نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد (رضوانی، ۱۳۸۳؛ شریف‌زاده و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۶). اگر در جریان پیشرفت و توسعه‌ی نواحی روستایی وقفه‌ای ایجاد شود آثار و پیامدهای آن نه‌تنها حوزه‌های روستایی، بلکه مناطق شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، چرا که اساساً حوزه‌های روستایی به‌عنوان قاعده‌ی نظام و فعالیت ملی، نقش اساسی در توسعه‌ی ملی ایفا می‌کنند (رضوانی، ۱۳۸۳). بررسی ساختار اقتصادی نواحی روستایی کشور گویای این است که کشاورزی محور اساسی تأمین معیشت به شمار آمده و متأسفانه در اغلب موارد، مهم‌ترین و تنها رکن اقتصادی روستاها را شامل می‌شود. چنین ساختاری در گذشته با توجه به اقتصاد بسته و ویژگی‌های روستا و روستاییان قابلیت دوام داشت (جوان و همکاران، ۱۳۹۰)، ولی امروزه با جهانی شدن (Rantamaki-Lahtinen, 2009؛ قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۸۳)، رقابت شدید در بازارهای جهانی، بحران‌های امنیت غذایی، وضعیت بازار آشفته‌ی انرژی و سودآوری کم بسیاری از محصولات کشاورزی، منجر به کاهش درآمد کشاورزی و افزایش عدم اطمینان شده است (Rantamaki-Lahtinen, 2009). تأثیر انکارناپذیر این وقایع بر نواحی روستایی موجب ناپایداری ابعاد مختلف طبیعی، اقتصادی و اجتماعی گردیده است. نمونه‌ای از وجود ناپایداری در ابعاد مختلف را می‌توان در حوضه آبریز دشت هراز جستجو کرد.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ناپایداری در نواحی روستایی وضعیت ناپایدار اشتغال و درآمد روستاییان است. در مقایسه بین وضعیت درآمد و اشتغال جامعه شهری و روستایی در منطقه مورد مطالعه، وضعیت درآمد و اشتغال در نواحی روستایی در مقایسه با نواحی شهری پایین‌تر است؛ به‌طوری که متوسط درآمد کل سالانه هر خانوار روستایی در منطقه مورد مطالعه ۲۸۳/۹۰۳ میلیون ریال و متوسط درآمد کل سالانه هر خانوار شهری در ۳۷۷/۲۵۹ میلیون ریال بوده است. همچنین به لحاظ اشتغال، از میانگین تعداد ۳/۲۵ نفر در هر خانوار روستایی به‌طور متوسط ۱/۳۵ نفر اشتغال دارند؛ اما از میانگین ۳/۱۶ نفر در هر خانوار شهری به‌طور متوسط ۱/۳۸ نفر اشتغال دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). چنین وضعیت درآمدی و اشتغال در نواحی روستایی، منجر به مشکلات روحی و روانی (ریفکین، ۱۳۷۹)؛ و موجبات به انحراف کشیده شدن افراد جامعه روستایی می‌شود (شکرابیگی و قزوینه، ۱۳۹۶). از سویی دیگر، در نتیجه عدم درآمد کافی و بیکاری روستاییان تغییر کاربری اراضی و مهاجرت به شهرها شدت گرفت. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۹۴ الف)، در منطقه‌ی مورد مطالعه در یک دوره ۵ ساله از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۵، بر جمعیت شهری ۶۲۰۱۶ نفر افزوده شد و از جمعیت روستایی در همین دوره پنج ساله ۱۲۸۷۶ نفر کاسته شده است که بخش قابل توجهی از رشد جمعیت شهری را مهاجرت روستاییان تشکیل می‌دهد. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۹۴ ب)، در حوضه آبریز دشت هراز که حدود ۵۸/۵ درصد از سطح زیر کشت برنج استان مازندران را تشکیل می‌دهد، سطح زیر کشت در سال زراعی ۸۸-۱۳۸۷ از ۱۳۲۱۵۵ هکتار به ۱۱۹۱۵۹ در سال ۹۴-۱۳۹۳ کاهش یافته است؛ به‌طوری که به میزان ۹/۸ درصد از سطح زیر کشت برنج در منطقه دشت هراز کاسته شد و به تغییر کاربری در درون یا بیرون بخش کشاورزی انجامید. این تغییر محسوس در سطح زیر کشت برنج در منطقه‌ای که شرایط برای کشت برنج بسیار مناسب است، جای نگرانی می‌باشد. همچنین، تمرکز صرف بر کشاورزی (شالیکاری) از یک‌سو موجب فشار بر منابع آب می‌شود، از سوی دیگر به‌واسطه‌ی مصرف بی‌رویه و بی‌موقع کودها و سموم شیمیایی موجب کاهش تنوع زیستی و فرسایش خاک می‌شود (FAO, 2013). گسترش کشت دوباره برنج در حوضه آبریز دشت هراز فشار مضاعفی بر منابع پایه از جمله منابع آب و خاک را به همراه داشت. از یک‌سو کشت غرقابی برنج به‌صورت دو بار در سال و از سوی دیگر روند کاهش بارندگی در طی سال‌های اخیر سبب شده است که فشار بیش از حد بر منابع آبی در حوضه آبریز دشت هراز و استان مازندران وارد گردد (جلیلی، ۱۳۹۶)؛ شرکت سهامی آب منطقه‌ای استان مازندران، ۱۳۹۷). همچنین در مسئله ایجاد فرسایش خاکی و کاهش تنوع زیستی، علیرغم کاهش سطح زیر کشت برنج در طی سال‌های اخیر، کشت مجدد برنج (دو بار در سال) موجب افزایش مصرف کودها و سموم شیمیایی شد (جلیلی، ۱۳۹۶)؛ به‌طوری که مطابق با گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۹۴ پ؛ ۱۳۹۵ الف)، به‌عنوان مثال، در

سال زراعی ۱۳۹۴ میزان مصرف کودهای شیمیایی در استان مازندران و منطقه‌ی مورد مطالعه در مقایسه با سال زراعی ۹۳، حدود ۲۳ درصد افزایش داشته است؛ که بخش عمده‌ی آن در شالیکاری (کشت اول و دوم) مورد استفاده قرار گرفت. چنین وضعیتی موجب بر هم خوردن تعادل زیست‌بوم‌های طبیعی و زراعی شده و کاهش پایداری طبیعت و نظام‌های زراعی را رقم می‌زند (اسکو و همکاران، ۱۳۸۷؛ محمدی یگانه و ولائی، ۱۳۹۳؛ جلیلی، ۱۳۹۶؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ لذا، مصرف بی‌رویه و بی‌موقع کودها و سموم شیمیایی مقدمات فرسایش خاک و تولید ناپایدار را فراهم می‌کند.

شرایط حاضر در حوضه آبریز دشت هراز که تحت تأثیر ساختار اقتصادی غیر متنوع و عمدتاً بر مبنای تولید و فروش یک محصول خاص به وجود آمده، نه تنها ساختارهای اقتصادی بلکه ساختارهای اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز تحت تأثیر قرار داده و در نهایت، کاهش فرصت‌های شغلی، بی‌ثباتی و ناپایداری در ابعاد مختلف در نواحی روستایی حوضه آبریز دشت هراز را منجر شده است. لذا، به‌منظور توسعه‌ی کسب و کارهای متنوع برای خانوارهای شالیکار، فراهم شدن محیط مناسب کارآفرینی بسیار حائز اهمیت است (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۵). از این رو، در این تحقیق به تحلیل شکاف وضعیت موجود و مطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی مؤثر در توسعه‌ی فعالیت چندگانه پرداخته شده است.

در تجزیه‌ی واژه‌ی "اکوسیستم کارآفرینی" کلمه "کارآفرین"، اشاره به فردی دارد که عهده‌دار برنامه‌ریزی و ریسک‌های مربوط به بنگاه خود است (داوری و همکاران، ۱۳۹۶). واژه‌ی کارآفرین و کارآفرینی در سال ۱۸۴۸، از کلمه فرانسوی *Entrepreneur* برگرفته شده است و به معنی متعهد شدن و بر عهده گرفتن است (صالحی امیری و شاه حسینی، ۱۳۸۹). از طرفی کلمه "اکوسیستم" برای اولین بار در اواسط قرن بیستم میلادی توسط تنزلی (Tansley) در سال ۱۹۳۵، استفاده شد. او معتقد بود، موجودات زنده نمی‌توانند از محیط‌زیست و محل سکونت در معنای وسیع کلمه جدا باشند (Christian, 2009). اکوسیستم به پیچیدگی ارگانسیم‌ها و محیطی که با آن در تعامل می‌باشند، اشاره دارد. موجودات زنده به‌واسطه‌ی محیطشان تحت تأثیر قرار می‌گیرند. مطالعه‌ی سیستماتیک از محیط، ریشه در علوم زیستی دارد؛ جایی که اصطلاح اکولوژی بیشتر برای زیستگاه حیوانات به کار برده می‌شود. اکولوژی انسان اصطلاحی است که اخیراً در قلمرو جغرافیدانان و جامعه‌شناسان گسترش یافته است. اصطلاح اکولوژی اجتماعی نیز به‌طور اساسی از تلاش‌های دانشمندان رفتاری استنتاج شده است که پرسش‌های خود را به سمت کامل کردن بیشتر دیدگاه تعامل بشر با محیط اجتماعی و فیزیکی‌اش هدایت می‌کنند؛ بنابراین رهیافت اکوسیستم، مطالعه‌ی فرضیات رفتار بشری در چارچوبی از تعامل‌هایی است که بین افراد و محیطشان رخ می‌دهد (Insel & Moos, 1974).

در حوزه کسب و کار و کارآفرینی، اصطلاح اکوسیستم اولین بار توسط جیمز مور (James Moore) در مقاله‌ای در مجله بازاریابی هاروارد در دهه ۱۹۹۰ استفاده شد. مور مدعی است که کسب و کار در "خلاء" تکامل نمی‌یابد و بر ماهیت ارتباطی نحوه تعامل شرکت‌ها با تأمین‌کنندگان، مشتریان و سرمایه‌داران تأکید می‌کند (Mason & Brown, 2014). به این ترتیب ایده بنیادی اکوسیستم کارآفرینی برای اولین بار ایجاد شد؛ ایده‌ای که با تغییر در مطالعات کارآفرینی مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی به‌سوی دیدگاهی وسیع‌تر که تلفیقی از نقش نیروهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در فرآیند کارآفرینی است، همراه بود (Dodd & Anderson, 2007; Stam & Spigel, 2016). ماسون و براون (Mason & Brown, 2014)، اکوسیستم کارآفرینی را مجموعه‌ای از کنشگران کارآفرینی مرتبط به یکدیگر (کنشگران بالفعل و بالقوه)، سازمان‌های کارآفرینی (برای مثال شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران، فرشتگان کسب و کار، بانک‌ها)، مؤسسات (دانشگاه‌ها، سازمان‌های بخش دولتی، نهادهای مالی) و فرآیندهای کارآفرینی (برای مثال، میزان ایجاد کسب و کار، تعداد شرکت‌های با رشد بالا، تعداد کارآفرینان سریالی، سطوح جاه‌طلبی کارآفرینی و غیره) که به‌صورت رسمی و غیررسمی به ایجاد ارتباط، مداخله و مدیریت عملکرد، در محیط کارآفرینی محلی متکی هستند، تعریف کردند (Mason & Brown, 2014). استم و اشپیگل (Stam & Spigel, 2016)، اکوسیستم کارآفرینی را مجموعه‌ای از کنشگران و عوامل وابسته به یکدیگر و به نحوی هماهنگ شده که کارآفرینی مولد را در یک قلمرو

خاص فعال می‌کنند، تعریف کردند. اکوسیستم کارآفرینی ترکیبی از عناصر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در یک منطقه هستند که از توسعه و رشد نوآوری‌های نوپا حمایت می‌کنند و کارآفرینان نوظهور و دیگر کنشگران را به‌منظور ریسک کردن برای شروع، تأمین مالی و یا جذب سرمایه‌گذاری با ریسک بالا تشویق می‌کنند (Spigel, 2017). لذا، محیط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر روی رشد کارآفرینی مؤثر هستند. محیط سیاسی، سیاست صنعتی، سیاست‌گذاری، توسعه تکنولوژیکی و تغییر اجتماعی، می‌تواند چارچوبی را تشکیل دهد که در آن یک سرمایه‌گذاری مشهود می‌باشد. بر این اساس تمام برنامه‌های کسب و کار بایستی بر مبنای محیط اطراف باشد. چارچوب‌بندی یک برنامه کارآفرینی و اتمام آن بدون ارتباط با ملزومات شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی امکان‌پذیر نمی‌باشد. در حقیقت، فعالیت‌های کارآفرینی با در نظر گرفتن محیط نظم می‌یابد. چرا که محیط کسب و کار دارای رابطه‌ی مثبت با توسعه‌ی کارآفرینی است؛ بنابراین مطالعه‌ی محیط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای رشد کارآفرینی دارای اهمیت اساسی است (خنیفر و همکاران، ۱۳۸۹). اکوسیستم کارآفرینی به‌عنوان رویکرد مناسب و مثبت در راستای توسعه فعالیت چندگانه محسوب می‌شود. این رویکرد عمدتاً چارچوب‌هایی هستند که عوامل مختلف محیطی تأثیرگذار بر کسب و کار را مورد بررسی قرار می‌دهد (Isenberg, 2010; Spigel, 2017; داوری و همکاران، ۱۳۹۶). استم و اشپیگل (Stam & Spigel, 2016)، اذعان دارند؛ علی‌رغم عدم وجود تعریف مشترک و جامع از اکوسیستم کارآفرینی در میان محققان، مدل آیزنبرگ، مدلی است که میان سیاست‌گذاران و رهبران محبوبیت بیشتری دارد. از آنجا که مقاله‌ها و گزارش‌های مختلف تقریباً ابعاد مشابهی در بحث اکوسیستم دارند، از این رو به دلیل شهرت بیشتر مدل آیزنبرگ (Isenberg, 2011) و شناخته شدن به‌عنوان رویکردی تأثیرگذار در طی سال‌های اخیر (Mason & Brown, 2014)، این مدل به‌عنوان رویکرد اصلی پژوهش حاضر، مورد توجه قرار گرفت. آیزنبرگ (Isenberg, 2011)، با تدوین چارچوبی تحت عنوان اکوسیستم کارآفرینی معتقد است، اکوسیستم کارآفرینی شامل صدها عنصر است که می‌توانند در شش قلمرو اصلی گروه‌بندی شوند. در این چارچوب، حوزه‌های اصلی اکوسیستم کارآفرینی شامل سیاست، تأمین مالی، فرهنگ، حمایت‌ها، سرمایه‌ی انسانی و بازار است.

سیاست: سیاست در معنای عام هرگونه راه و روش برای اداره یا بهبود عملکرد هر امری -چه فردی و چه اجتماعی- است و در معنای خاص اموری است که به دولت و مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت [در قالب قوانین و دستورالعمل] مربوط می‌شود (نوذری، ۱۳۷۹). در حوزه کارآفرینی؛ سیاست‌ها شامل مجموعه قوانین و دستورالعمل‌هایی هستند که برنامه‌های حمایتی برای تشویق کارآفرینان از طریق مزایای مالیاتی، سرمایه‌گذاری از بودجه عمومی، یا کاهش در مقررات اداری طراحی و تنظیم می‌شود؛ بنابراین، قوانین و دستورالعمل‌ها، بخش کلیدی زمینه‌ی اقتصادی و سیاسی هستند که در آن کارآفرینی اتفاق می‌افتد. ممکن است این زمینه شامل کاهش موانع قانونی برای تشکیل بنگاه، توسعه‌ی نظام‌های مالی اثرگذار یا فراهم کردن صندوق‌های عمومی برای اجرای برنامه‌های حمایتی کارآفرینی و شبکه‌سازی باشد. لذا سیاست یکی از ویژگی‌های مهم کارآفرینی است (Spigel, 2017). آیزنبرگ (Isenberg, 2010)، سیاست را ترکیب دو عامل دولت و رهبری می‌داند و معتقد است سیاست شامل شیوه‌های رهبری مستحکم و پشتیبانی از ساختارهای دولت در چارچوب نهادها؛ چارچوب مقرراتی مشوق‌ها و قانون‌گذاری سرمایه‌پسند است (Isenberg, 2011). همچنین اضافه می‌کند، دولت به تنهایی نمی‌تواند اکوسیستم را بسازد و باید بخش خصوصی را مشارکت دهد و اجازه دهد سهم قابل توجهی در موفقیت اکوسیستم داشته باشند (Isenberg, 2010). محققان مختلفی از جمله مک‌کاگو و همکاران (McKague et al., 2017)، موحدی و همکاران (Movahedi et al., 2017)، یاریگی و همکاران (Yaribeigi et al., 2014)، آلوارز و همکاران (Alvarez et al., 2011)، داوری و همکاران (۱۳۹۶)، ایزدی و همکاران (۱۳۹۵)، طغرای و همکاران (۱۳۹۵)، قمبرعلی و همکاران (۱۳۹۵)، سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۳)، عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) سیاست را به‌عنوان یکی از شاخصه‌های مهم محیط کارآفرینی و مؤثر در توسعه‌ی کارآفرینی روستایی قلمداد کرده‌اند.

تأمین مالی: دسترسی به منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های کارآفرینانه بسیار ضروری است (Stam, 2015). به اعتقاد آیزنبرگ (Isenberg, 2010) و مجمع جهانی اقتصاد (World Economic Forum, 2013)، سرمایه‌ی مالی به‌عنوان یکی از ارکان مهم اکوسیستم کارآفرینی است. یکی از مشکلات اصلی کارآفرینان در فرآیند کارآفرینی فقدان منابع مالی _شخصی است (Marshall & Samal, 2006). از این رو، وام‌های بانکی رایج‌ترین منبع مالی خارجی برای بسیاری از کسب و کارهای کوچک و متوسط و کارآفرینان است (OECD, 2015). به اعتقاد آیزنبرگ (Isenberg, 2011)، سرمایه‌ی مالی شامل وام‌های خرد، تأمین بودجه سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر و سرمایه‌گذاران است. منابع مالی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در عملکرد کارآفرینان توسط محققان از جمله موحدی و همکاران (Movahedi et al., 2017)، یاریبگی و همکاران (Yaribeigi et al., 2014)، آوارز و همکاران (Alvarez et al., 2011)، داوری و همکاران (۱۳۹۶)، ایزدی و همکاران (۱۳۹۵)، نجفی کانی و همکاران (۱۳۹۴)، عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، فراهانی و همکاران (۱۳۹۳)، شمس‌الدینی و حسینی (۱۳۹۰)، مورد توجه قرار گرفته است.

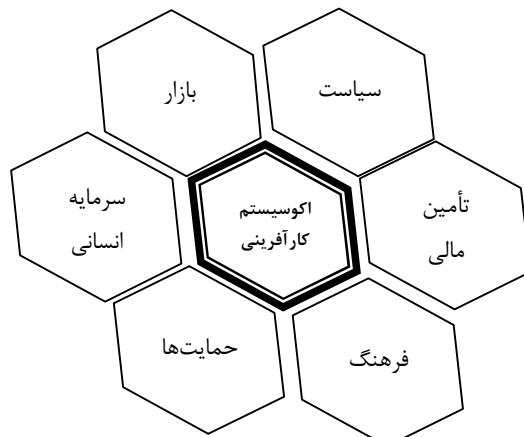
فرهنگ: اسپیکل (Spigel, 2017) معتقد است، ویژگی‌های فرهنگی؛ بورها و دیدگاه‌های اساسی در مورد کارآفرینی در یک منطقه می‌باشد. نگرش‌های فرهنگی و تاریخچه‌ی کارآفرینی در یک فرهنگ دو ویژگی اصلی فرهنگی اکوسیستم کارآفرینانه است. فرهنگ کسب و کار باید به‌گونه‌ای باشد که فرصت و امکان شروع دوباره را برای کارآفرینان شکست خورده فراهم کند. این کارآفرینان، اغلب از تجربه و شبکه‌های کاری بالاتری برخوردارند، این امر موجب افزایش احتمال موفقیت آن‌ها در آینده می‌شود (داوری و همکاران، ۱۳۹۶). فرهنگ در اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ (Isenberg, 2011)، شامل عناصر نمونه‌های موفق و هنجارهای اجتماعی است. مورالس و ویلیا (Morales & Velilla, 2018)، در تحقیقی با استناد به داده‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی، گزارش داد، محیط فرهنگی بر روی تصمیم‌های کارآفرینانه مؤثر است. محققان مختلف از جمله موحدی و همکاران (Movahedi et al., 2017)، یاریبگی و همکاران (Yaribeigi et al., 2014)، آوارز و همکاران (Alvarez et al., 2011)، داوری و همکاران (۱۳۹۶)، نجفی کانی و همکاران (۱۳۹۴)، عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، بر محیط فرهنگی به‌عنوان عامل مؤثر در توسعه فعالیت‌های کارآفرینی روستایی تأکید داشتند.

حمایت‌ها: نهادهای غیردولتی، اصناف (تخصص‌های حمایتی) و زیرساخت سه عنصر مهم حمایتی هستند (Isenberg, 2011). طراحی و تدوین سازوکارهای حمایت از کارآفرینی و فراهم کردن زیر ساخت‌های حمایتی مورد نیاز برای فعالیت کارآفرینان از عناصر اصلی برنامه‌های توسعه‌ی کارآفرینی می‌باشد (Lordkipanidze et al., 2005). حمایت‌ها شامل زیرساخت‌ها، نهادهای غیردولتی، حمایت‌های حرفه‌ای همچون آموزش در بعد قانونی و حسابداری است که در تحقیقات مختلف از جمله یاریبگی و همکاران (Yaribeigi et al., 2014)، شاوکوان و همکاران (Shao-quan et al., 2013)، درایز و همکاران (Dries et al., 2011)، آوارز و همکاران (Alvarez et al., 2011)، داوری و همکاران (۱۳۹۶)، طغریایی و همکاران (۱۳۹۵)، نجفی کانی و همکاران (۱۳۹۴)، فراهانی و همکاران (۱۳۹۳)، سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۳)، جوان و حیدری‌مکرر (۱۳۹۰) مورد توجه قرار گرفته‌اند.

سرمایه‌ی انسانی: به اعتقاد آیزنبرگ (Isenberg, 2011) سرمایه‌ی انسانی به‌عنوان یکی از ارکان مهم اکوسیستم کارآفرینی است. سرمایه‌ی انسانی در اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ (Isenberg, 2011)، دارای دو وجه نیروی کار و مؤسسات آموزشی است. مارشال و سامال (Marshall & Samal, 2006) معتقدند، در فرآیند کارآفرینی یکی از مشکلات مهمی که کارآفرینان با آن مواجه هستند، ناشی از فقدان دانش و مهارت است. در این راستا ولف (Wolfe, 2005) معتقد است، مراکز آموزشی تا حد زیادی می‌توانند به توسعه‌ی سرمایه انسانی یک منطقه کمک کنند. محققان مختلفی از جمله موحدی و همکاران (Movahedi et al., 2017)، یاریبگی و همکاران (Yaribeigi et al., 2014)، شاوکوان و همکاران (Shao-quan et al., 2013)، آوارز و همکاران (Alvarez et al., 2011)، هوگن و ویک (Haugen & Vik, 2008)، داوری و همکاران (۱۳۹۶)، ایزدی و همکاران (۱۳۹۵)، نجفی کانی و همکاران (۱۳۹۴)، فراهانی و همکاران (۱۳۹۳)، بر نقش سرمایه‌ی انسانی در توسعه‌ی کارآفرینی روستایی تأکید داشته‌اند.

بازار: قابلیت دسترسی به بازارهای محلی و بین‌المللی، بخش کلیدی در فراهم کردن فرصت‌ها در محدوده‌ی اکوسیستم کارآفرینانه است (داوری و همکاران، ۱۳۹۶). به اعتقاد آیزنبرگ (Isenberg, 2010) و مجمع جهانی اقتصاد (World Economic Forum, 2013)، بازارهای محلی و بین‌المللی به‌عنوان یکی از ارکان مهم اکوسیستم کارآفرینی است. مشتریان و شبکه‌ها دو عنصر تشکیل دهنده‌ی بازار هستند. مشتریان اولیه نقش کلیدی در اکوسیستم کارآفرینانه دارند (Isenberg, 2011). از سوی دیگر، شبکه‌ها از طریق تأثیر بر

روی تصمیم‌های کارآفرینان، تأثیر زیادی بر روی فعالیت‌های کارآفرینانه آن‌ها دارند. شبکه‌های اجتماعی کارآفرینان شامل روابط رسمی و اجتماعی از جمله آشنایان، دوستان و خانواده هستند (Klyver & Foley, 2012). شبکه‌ها به کارآفرینان کمک می‌کند تا بازار را بشناسند، دانش فنی لازم را کسب کنند، منابع لازم برای راه‌اندازی کسب و کار را به دست آورند و به کانال‌های توزیعی، مشتریان و تأمین‌کنندگان دسترسی داشته باشند (Greve & Salaff, 2003; Spigel, 2017). بازار به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی در پژوهش‌های مختلف از جمله یاریگی و همکاران (Yaribeigi et al., 2014)، آلوارز و همکاران (Alvarez et al., 2013)، لو و تاو (Lu and Tao, 2010)، درایز و همکاران (Dries et al., 2011)، داوری و همکاران (۱۳۹۶)، ایزدی و همکاران (۱۳۹۵)، طغرای و همکاران (۱۳۹۵)، نجفی‌کانی و همکاران (۱۳۹۴) مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به آنچه گفته شد چارچوب نظری تحقیق در قالب نگاره ۱ ارائه شد.



نگاره ۱- چارچوب نظری تحقیق (Isenberg, 2011)

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت، کمی است که به روش پیمایشی انجام شده است. همچنین این پژوهش به لحاظ دامنه کنترل متغیرها، از نوع غیرآزمایشی است. از آنجایی که نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده برنامه‌ریزان و ذینفعان در توسعه روستایی قرار گیرد، به لحاظ هدف، کاربردی است. با توجه به موضوع تحقیق، روش انتخاب شده نیز در دسته تحقیقات توصیفی و از نوع مقایسه‌ای قرار می‌گیرد. جامعه آماری این پژوهش شامل شالیکارانی هستند که در کنار شالیکاری حداقل یک کسب و کار در نواحی روستایی در حوضه آبریز دشت هراز راه‌اندازی کردند (شالیکاران چندکاره (Pluriactive Rice Farmers)). همان‌طور که اشاره شد، به لحاظ جغرافیایی، این پژوهش در حوضه‌ی آبریز دشت هراز در استان مازندران اجرا گردید. حوضه آبریز دشت هراز (نقشه ۱)، شامل مناطق آمل، بابل، بابلسر، فریدون‌کنار، محمودآباد و نور است.

با توجه به تعریف مک الوی (McElwee, 2008) از انواع کسب و کارهای روستایی و همچنین طبقه‌بندی انواع کسب و کارهای روستایی توسط دی روسا (DeRosa et al., 2019)، موریس و همکاران (Morris et al., 2017) و ویک و مک الوی (Vik & McElwee, 2011)، کشاورزان چندکاره بسیار متعدد هستند. لذا، علیرغم مراجعه به مراکز رسمی از جمله مرکز آمار ایران، سازمان جهاد کشاورزی، سازمان تعاون روستایی و سازمان و صنعت، تجارت، معدن استان مازندران، آمار دقیق و جامعی از جامعه آماری هدف به دست نیامد؛ بنابراین، با توجه به ناشناخته بودن جامعه آماری شالیکاران چندکاره، به‌منظور تعیین حجم نمونه‌ی مورد مطالعه از رابطه (۱) استفاده شده است (Israel, 1992; Singh & Masuku, 2014; داوری و همکاران، ۱۳۹۶). مبتنی بر فرمول مورد نظر، حجم نمونه شالیکاران چندکاره ۱۹۶ نفر محاسبه شد. بدین ترتیب، با مدنظر قرار دادن نواحی روستایی حوضه‌ی آبریز دشت هراز، ۱۹۸ پرسشنامه به‌صورت هدفمند و با استفاده از تکنیک گلوله برفی در بین شش منطقه به‌طور مساوی توزیع شد. از این میان، ۱۸۲ پرسشنامه برگشت و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

$$n = \frac{(Z^2 pq)}{e^2}$$

رابطه (۱)

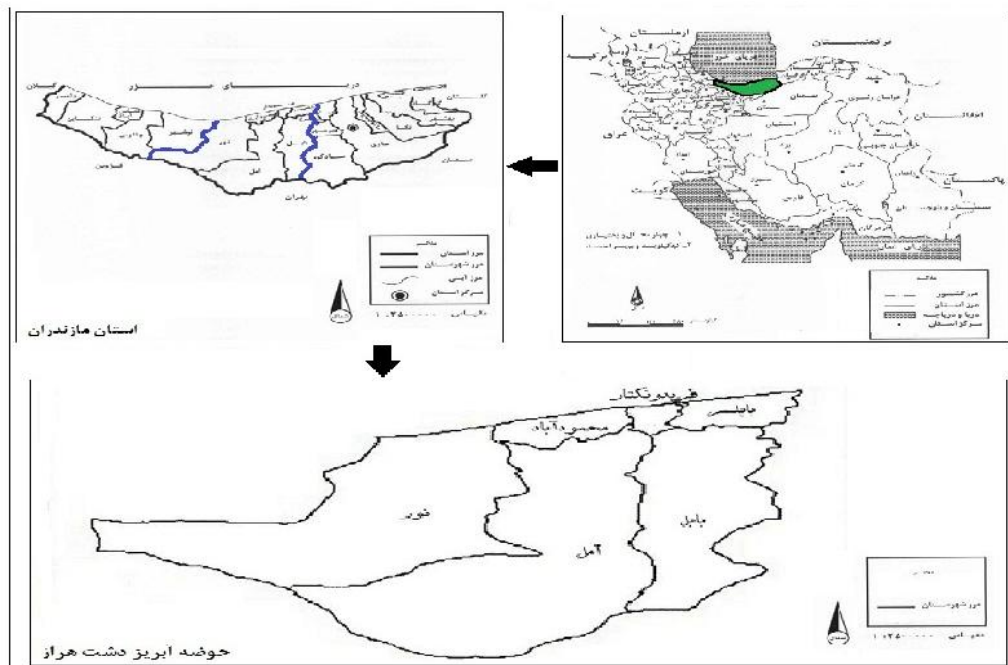
$$Z = ۱/۹۶ = \text{سطح اطمینان } ۰/۹۵$$

$$p = ۰/۵ = \text{نسبت صفت متغیر در جامعه}$$

$$q = ۱ - p = ۰/۵$$

$$e = ۰/۰۷ = \text{سطح دقت}$$

به منظور دستیابی به هدف تحقیق، از ابزار پرسشنامه به منظور جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. پرسشنامه‌ی تحقیق شامل دو بخش اصلی بود. بخش اول شامل ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای شالیکاران چندکاره از جمله سن، جنس، سطح تحصیلات، نوع کسب و کار در کنار شالیکاری و غیره بود. بخش دوم به ارزیابی وضعیت موجود و مطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی اختصاص داشت. در این بخش متکی بر مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ (Isenberg, 2011) و بررسی منابع مختلف، ۳۴ آیتم در ۶ حیطه (سیاست با ۵ گویه، سرمایه‌ی مالی با ۳ گویه، فرهنگ با ۷ گویه، حمایت با ۱۰ گویه، سرمایه‌ی انسانی با ۴ گویه و بازار با ۵ گویه) استخراج گردید. به عبارتی، در بخش دوم پرسشنامه، ۳۴ سؤال مطرح گردید که در سمت راست سؤالات، ۵ ستون در قالب طیف لیکرت (کاملاً مناسب، مناسب تا حدودی مناسب، نامناسب، کاملاً نامناسب) به منظور سنجش وضعیت موجود طراحی گردید. همچنین به منظور استخراج وضعیت مطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی در سمت چپ سؤالات، پنج ستون در قالب طیف لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) طراحی گردید. به منظور بررسی روایی ابزار تحقیق از نظر متخصصان روستایی استفاده شد. بدین صورت که پرسشنامه‌ی محقق ساخته در اختیار تعدادی از آن‌ها قرار گرفت. پس از مطالعه برخی نکات و پیشنهادهای در خصوص نوع سؤالات، نحوه‌ی مطرح کردن سؤالات و همچنین ساختار پرسشنامه مطرح کردند. بر این اساس اصلاحات لازم انجام شد و پرسشنامه برای بررسی پایایی ابزار تحقیق آماده و در اختیار ۳۰ نفر از شالیکاران چندکاره قرار گرفت. پایایی ابزار پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ () مورد سنجش قرار گرفت. بر این اساس، پایایی ابزار تحقیق در حیطه‌های سیاست (۰/۵۳ =)، تأمین مالی (۰/۶۱ =)، فرهنگ (۰/۶۵ =)، حمایت‌ها (۰/۷۳ =)، سرمایه‌ی انسانی (۰/۷۷ =) و بازار (۰/۶۵ =) بدست آمد که مطابق با تابر (Taber, 2017)، مورد تأیید است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ استفاده شد. برای توصیف داده‌های آماری، از مد، میانه، میانگین و انحراف معیار استفاده شد. همچنین به منظور تحلیل شکاف وضعیت موجود و مطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی، از آزمون مقایسه میانگین ویلکاکسون بهره گرفته شد.



نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱)

یافته‌ها و بحث

ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای شالیکاران چندکاره

اطلاعات جمع‌آوری شده از جامعه‌ی شالیکاران چندکاره حاکی از آن است که میانگین سنی آن‌ها با کمینه ۲۲ سال و بیشینه ۷۰ سال، حدود ۴۴ سال است و بیشتر آن‌ها (۷۰/۸۸٪) میان‌سال هستند. بر اساس جنسیت، اغلب آن‌ها مرد (۹۵/۱٪) هستند. میانگین سابقه‌ی برنج‌کاری و کسب و کار کارآفرینانه آن‌ها به ترتیب ۲۰ و ۱۱/۶۸ سال است. میانگین ایجاد شغل در کسب و کار کارآفرینانه بیش از ۴ نفر می‌باشد. همچنین نتایج حاکی از آن است که شالیکاران چندکاره علاوه بر شالیکاری، به‌طور کلی در بخش‌های خدمات روستایی، صنایع روستایی و بخش کشاورزی (به غیر از برنج‌کاری) فعال هستند. به‌طوری که ۶۸/۷ درصد کسب و کارهای ایجاد شده مربوط به بخش کشاورزی (به غیر از برنج‌کاری) است. این کسب و کارها شامل تولید و کشت انواع سبزیجات، تولید و پرورش گل، باغداری، پرورش قارچ و غیره است. کسب و کار ایجاد شده در بخش خدمات روستایی، ۲۵/۳ درصد است. این کسب و کارها شامل فرآوری محصولات کشاورزی، خدمات فنی و مشاوره‌ای کشاورزی و غیره هستند. بخش صنایع روستایی ۶ درصد کسب و کارهای ایجاد شده را به خود اختصاص داده است که شامل تولید گونی برای انواع محصولات کشاورزی و تولید سبد پلاستیکی هستند.

تحلیل اکوسیستم کارآفرینی روستایی

اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضع موجود و مطلوب مؤلفه‌ی سیاست

اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب گویه‌های مربوط به مؤلفه‌ی سیاست در جدول ۱ نشان داده شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد در وضعیت موجود، قوانین معافیت مالیاتی برای ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار با میانگین ۲/۰۲ در اولویت اول و فرصت‌های مناسب جهت توسعه‌ی کسب و کار با میانگین ۱/۵۱ در اولویت پنجم قرار گرفت. نتایج اولویت‌بندی در بخش وضعیت مطلوب نشان می‌دهد، حمایت دولت محلی (فرمانداری‌ها، بخش‌داری‌ها) از صاحبان کسب و کار ورشکسته با میانگین ۳/۵۸ در اولویت اول و فرصت‌های مناسب جهت توسعه‌ی کسب و کار با میانگین ۳/۳۳ در اولویت پنجم قرار گرفت. در تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب، نتایج نشان داد که بین وضعیت مطلوب و موجود اکوسیستم کارآفرینی روستایی در همه گویه‌های مؤلفه‌ی سیاست اختلاف معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی، امتیاز وضعیت مطلوب در مقایسه با امتیاز وضعیت موجود در هر گویه در مؤلفه‌ی سیاست به‌طور معنی‌داری بالاتر است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، بین وضعیت مطلوب و موجود، گویه حمایت دولت محلی (فرمانداری‌ها، بخش‌داری‌ها) از صاحبان کسب و کار ورشکسته (Z= -۱۰/۵۳) بیشترین شکاف وجود دارد. به عبارتی، فاصله‌ی امتیاز بین وضعیت مطلوب و موجود گویه‌ی حمایت دولت محلی (فرمانداری‌ها، بخش‌داری‌ها) از صاحبان کسب و کار ورشکسته بیشترین میزان نسبت به فاصله‌ی امتیاز بین وضعیت مطلوب و موجود سایر گویه‌ها است. همچنین در بین گویه‌های مؤلفه‌ی سیاست، بین وضعیت مطلوب و موجود قوانین معافیت مالیاتی برای ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار جدید کمترین شکاف (Z= -۹/۳۶) وجود دارد.

جدول ۱- اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب گویه‌های مؤلفه‌ی سیاست (n= ۱۸۲)

مقایسه میانگین (ویلکاکسون)			آمار توصیفی			مؤلفه‌ی سیاست	
سطح معنی‌داری	Z	رتبه متوسط	تعداد نمونه‌ها	اولویت	انحراف معیار	میانگین	وضعیت
.۰/۰۰۱	۹/۳۶	۴۴/۷۹	۱۴	۱	۰/۸۸	۲/۰۲	موجود
	-	۷۶/۵۵	۱۳۲	۴	۱/۲۰	۳/۴۵	مطلوب
.۰/۰۰۱	۱/۲۹	۳۰/۵۰	۹	۲	۰/۷۹	۱/۸۶	موجود
	-۱۰	۷۹/۴۰	۱۴۳	۲	۱/۱۸	۳/۵۵	مطلوب
.۰/۰۰۱	۹/۶۹	۵۱/۳۸	۱۲	۳	۰/۹۰	۱/۷۶	موجود
	-	۷۹/۱۸	۱۴۱	۳	۱/۳۳	۳/۵۲	مطلوب
.۰/۰۰۱	۱/۵۳	۲۰/۰۰	۷	۴	۰/۷۲	۱/۶۸	موجود
	-۱۰	۷۹/۲۳	۱۴۵	۱	۱/۲۳	۳/۵۸	مطلوب
.۰/۰۰۱	۱/۳۷	۳۷/۴۴	۹	۵	۰/۶۳	۱/۵۱	موجود
	-۱۰	۸۱/۵۳	۱۴۸	۵	۱/۲۵	۳/۳۳	مطلوب

اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضع موجود و مطلوب مؤلفه‌ی تأمین مالی

اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب گویه‌های مربوط به مؤلفه‌ی تأمین مالی در جدول ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد در وضعیت موجود، مشارکت بخش خصوصی (حقوقی) در تأمین مالی جهت ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار با میانگین ۲/۰۱ در اولویت اول و مشارکت سرمایه‌گذاران (حقیقی)، دوستان و خانواده به‌منظور سرمایه‌گذاری برای ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار با میانگین ۱/۹۰ در اولویت سوم قرار گرفت. نتایج اولویت‌بندی در بخش وضعیت مطلوب نشان می‌دهد، برنامه وام و تسهیلات برای ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار با میانگین ۳/۸۰ در اولویت اول و مشارکت سرمایه‌گذاران (حقیقی)، دوستان و خانواده به‌منظور سرمایه‌گذاری برای ایجاد و توسعه کسب و کار با میانگین ۳/۵۳ در اولویت سوم قرار گرفت. در تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب، نتایج حاکی از شکاف معنی‌دار بین وضعیت مطلوب و موجود اکوسیستم کارآفرینی روستایی در همه گویه‌های تأمین مالی است. به عبارتی، امتیاز وضعیت مطلوب در مقایسه با امتیاز وضعیت موجود در هر گویه در مؤلفه‌ی تأمین مالی به‌طور معنی‌داری بالاتر است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، بین وضعیت مطلوب و موجود گویه‌ی برنامه وام و تسهیلات برای ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار ($Z = -1.0/80$) بیشترین شکاف وجود دارد. به عبارتی، فاصله امتیاز بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود گویه‌ی برنامه وام و تسهیلات برای ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار، بیشترین میزان نسبت به فاصله امتیاز بین وضعیت مطلوب و موجود سایر گویه‌ها است. همچنین در بین گویه‌های مؤلفه‌ی تأمین مالی، بین وضعیت مطلوب و موجود مشارکت بخش خصوصی (حقوقی) در تأمین مالی جهت ایجاد و توسعه کسب و کار، کمترین شکاف ($Z = -9/59$) وجود دارد.

جدول ۲- اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب گویه‌های مؤلفه‌ی تأمین مالی ($n = 182$)

مقایسه میانگین (ویلاکسون)		آمار توصیفی			مؤلفه‌ی تأمین مالی		
سطح معنی‌داری	Z	رتبه متوسط	تعداد نمونه‌ها	انحراف معیار	میانگین	وضعیت	مؤلفه‌ی تأمین مالی
۰/۰۰۱	-۹/۵۹	۸۲/۵۰	۸	۰/۹۷	۲/۰۱	موجود	مشارکت بخش خصوصی (حقوقی) در تأمین مالی جهت ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار
		۷۶/۱۷	۱۴۴	۱/۰۶	۳/۵۳	مطلوب	
۰/۰۰۱	-۱۰/۸۰	۲۱/۰۰	۴	۰/۷۸	۱/۹۶	موجود	برنامه وام و تسهیلات برای ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار
		۸۰/۰۱	۱۵۲	۱/۱۵	۳/۸۰	مطلوب	
۰/۰۰۱	-۱۰/۰۸	۴۴/۶۸	۱۱	۱/۸۳	۱/۹۰	موجود	مشارکت سرمایه‌گذاران (حقیقی)، دوستان و خانواده به‌منظور سرمایه‌گذاری برای ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار
		۸۱/۰۷	۱۴۵	۱/۱۱	۳/۵۳	مطلوب	

اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضع موجود و مطلوب مؤلفه فرهنگ

اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب گویه‌های مربوط به مؤلفه‌ی فرهنگ در جدول ۳ نشان داده شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد در وضعیت موجود، تجربه، توجه به نوآوری و خلاقیت در کسب و کارهای ایجاد شده در منطقه با میانگین ۲/۴۴ و باور به مؤثر و مفید بودن صاحبان کسب و کار در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و غیره با میانگین ۲/۴۴ به ترتیب در اولویت اول و دوم و تحمل ریسک، اشتباه و شکست توسط صاحبان کسب و کار با میانگین ۱/۹۶ و معرفی صاحبان کسب و کار نمونه و نشر داستان‌های موفقیت آن‌ها در سطح منطقه با میانگین ۱/۸۷ به ترتیب در اولویت‌های ششم و هفتم قرار گرفتند. نتایج اولویت‌بندی در بخش وضعیت مطلوب نشان می‌دهد، تجربه، توجه به نوآوری و خلاقیت در کسب و کارهای ایجاد شده در منطقه با میانگین ۳/۸۰ و گرایش برای شروع و ایجاد کسب و کارهای جدید در سطح منطقه با میانگین ۳/۷۲ به ترتیب در اولویت‌های اول و دوم و موقعیت اجتماعی صاحبان کسب و کار در سطح منطقه با میانگین ۳/۵۵ و تحمل ریسک، اشتباه و شکست توسط صاحبان کسب و کار با میانگین ۳/۴۷ به ترتیب در اولویت‌های ششم و هفتم قرار گرفتند. در تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب، نتایج حاکی از شکاف معنی‌دار بین وضعیت مطلوب و موجود اکوسیستم کارآفرینی روستایی در همه گویه‌های مؤلفه‌ی فرهنگ است. به عبارتی، امتیاز وضعیت مطلوب در مقایسه با امتیاز

وضعیت موجود در هر گویه در مؤلفه‌ی فرهنگ به‌طور معنی‌داری بالاتر است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، بین وضعیت مطلوب و موجود گویه‌های معرفی صاحبان کسب و کار نمونه و نشر داستان‌های موفقیت آن‌ها در سطح منطقه ($Z = -10/33$)، تحمل ریسک، اشتباه و شکست توسط صاحبان کسب و کار ($Z = -9/91$)، گرایش برای شروع و ایجاد کسب و کارهای جدید در سطح منطقه ($Z = -9/77$) به ترتیب بیشترین شکاف وجود دارد. به عبارتی، فاصله امتیاز بین وضعیت مطلوب و موجود گویه‌های معرفی صاحبان کسب و کار نمونه و نشر داستان‌های موفقیت آن‌ها در سطح منطقه؛ تحمل ریسک، اشتباه و شکست توسط صاحبان کسب و کار و گرایش برای شروع و ایجاد کسب و کارهای جدید در سطح منطقه، به ترتیب بیشترین میزان نسبت به فاصله امتیاز بین وضعیت مطلوب و موجود سایر گویه‌ها است. همچنین در بین گویه‌های مؤلفه‌ی فرهنگ، بین وضعیت مطلوب و موجود باور به مؤثر و مفید بودن صاحبان کسب و کار در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و غیره کمترین شکاف ($Z = -8/97$) وجود دارد.

جدول ۳- اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب گویه‌های مؤلفه‌ی فرهنگ (n= ۱۸۲)

مقایسه میانگین (ویلاکسون)			آمار توصیفی			وضعیت	مؤلفه‌ی فرهنگ
سطح معنی‌داری	Z	رتبه متوسط	تعداد نمونه‌ها	انحراف معیار	اولویت		
۰/۰۰۱	-۹/۵۳	۴۱/۰۰	۱۸	۱/۰۰	۲/۴۴	موجود	تجربه، توجه به نوآوری و خلاقیت در کسب و کارهای ایجاد شده در منطقه
		۸۱/۸۰	۱۳۵	۱/۰۵	۳/۸۰	مطلوب	
۰/۰۰۱	-۸/۹۷	۵۶/۸۳	۲۰	۱/۰۴	۲/۴۴	موجود	باور به مؤثر و مفید بودن صاحبان کسب و کار در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و غیره
		۶۹/۸۱	۱۳۶	۱/۱۰	۳/۷۰	مطلوب	
۰/۰۰۱	-۹/۴۴	۴۴/۵۶	۱۶	۰/۹۳	۲/۲۷	موجود	موقعیت اجتماعی صاحبان کسب و کار در سطح منطقه
		۷۹/۱۹	۱۳۴	۱/۱۱	۳/۵۵	مطلوب	
۰/۰۰۱	-۹/۷۷	۴۷/۶۸	۱۱	۰/۹۶	۲/۲۷	موجود	گرایش برای شروع و ایجاد کسب و کارهای جدید در سطح منطقه
		۷۷/۷۰	۱۳۹	۱/۰۳	۳/۷۲	مطلوب	
۰/۰۰۱	-۹/۵۲	۴۳/۹۴	۱۷	۰/۹۹	۲/۰۹	موجود	مطرح بودن چهره‌های موفق صاحبان کسب و کار در منطقه
		۸۱/۶۶	۱۳۷	۱/۱۷	۳/۵۹	مطلوب	
۰/۰۰۱	-۹/۹۱	۵۲/۳۶	۱۱	۰/۸۴	۱/۹۶	موجود	تحمل ریسک، اشتباه و شکست توسط صاحبان کسب و کار
		۷۹/۹۶	۱۴۴	۱/۰۹	۳/۴۷	مطلوب	
۰/۰۰۱	-۱۰/۳۳	۳۲/۸۳	۹	۰/۸۱	۱/۸۷	موجود	معرفی صاحبان کسب و کار نمونه و نشر داستان‌های موفقیت آن‌ها در سطح منطقه
		۸۰/۳۷	۱۴۵	۱/۱۸	۳/۶۳	مطلوب	

اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضع موجود و مطلوب مؤلفه‌ی حمایت

اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب گویه‌های مربوط به مؤلفه‌ی حمایت در جدول ۴ نشان داده شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد در وضعیت موجود، دسترسی به زیرساخت‌های ارتباط فیزیکی (جاده و غیره) در منطقه با میانگین ۲/۸۴، دسترسی به زیرساخت‌های انرژی (آب، گاز، برق) در منطقه با میانگین ۲/۷۹ و دسترسی به زیرساخت‌های ارتباط مجازی (تلفن ثابت و تلفن همراه، اینترنت) در منطقه با میانگین ۲/۷۶ به ترتیب در اولویت اول تا سوم و دسترسی به مراکز مورد نیاز برای دریافت مشاوره‌های علمی و فنی در کسب و کار با میانگین ۱/۸۹ و برگزاری مسابقه‌های ایده و طرح‌های ایجاد و توسعه‌ی کسب و کارها در سطح منطقه با میانگین ۱/۸۸ به ترتیب در اولویت نهم و دهم قرار گرفتند. نتایج اولویت‌بندی در بخش وضعیت مطلوب نشان می‌دهد، دسترسی به زیرساخت‌های انرژی (آب، گاز، برق) در منطقه با میانگین ۳/۹۶، دسترسی به زیرساخت‌های ارتباط فیزیکی (جاده و غیره) در منطقه با میانگین ۳/۸۹ و دسترسی به زیرساخت‌های ارتباط مجازی (تلفن ثابت و تلفن همراه، اینترنت) در منطقه با میانگین ۳/۷۳ به ترتیب در اولویت‌های اول تا سوم و برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها در خصوص ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار در سطح منطقه با میانگین ۳/۳۲ و دسترسی به مراکز مورد

نیاز برای دریافت مشاوره‌های علمی و فنی در کسب و کار با میانگین ۳/۲۷ به ترتیب در اولویت‌های نهم و دهم قرار گرفتند. در تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب، نتایج حاکی از شکاف معنی‌دار بین وضعیت مطلوب و موجود اکوسیستم کارآفرینی روستایی در همه گویه‌های حمایت است. به عبارتی، امتیاز وضعیت مطلوب در مقایسه با امتیاز وضعیت موجود در هر گویه در مؤلفه‌ی حمایت به‌طور معنی‌داری بالاتر است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، بین وضعیت مطلوب و موجود گویه‌های ترویج و گسترش ایده ایجاد و توسعه‌ی کسب و کارها توسط گروه‌های مردم‌نهاد (کمپین‌های مردمی) در سطح منطقه ($Z = -9/75$)، برخورداری صاحبان کسب و کار منطقه از مشاوره‌های مالی و حسابداری (مثلاً راهنمایی برای برآورد هزینه‌ی راه‌اندازی یک کسب و کار) ($Z = -9/41$) و برخورداری صاحبان کسب و کار منطقه از مشاوره‌های حقوقی (مثلاً چگونگی اخذ مجوز، چگونگی اخذ معافیت مالیاتی و غیره) ($Z = -9/39$) به ترتیب بیشترین شکاف وجود دارد. به عبارتی، فاصله‌ی امتیاز بین وضعیت مطلوب و موجود گویه‌های ترویج و گسترش ایده‌ی ایجاد و توسعه‌ی کسب و کارها توسط گروه‌های مردم‌نهاد (کمپین‌های مردمی) در سطح منطقه، برخورداری صاحبان کسب و کار منطقه از مشاوره‌های مالی و حسابداری (مثلاً راهنمایی برای برآورد هزینه‌ی راه‌اندازی یک کسب و کار) و برخورداری صاحبان کسب و کار منطقه از مشاوره‌های حقوقی (مثلاً چگونگی اخذ مجوز، چگونگی اخذ معافیت مالیاتی و غیره) به ترتیب بیشترین میزان نسبت به فاصله امتیاز بین وضعیت مطلوب و موجود سایر گویه‌ها است. همچنین در بین گویه‌های مؤلفه‌ی حمایت، بین وضعیت مطلوب و موجود دسترسی به زیرساخت‌های ارتباط مجازی (تلفن ثابت و تلفن همراه، اینترنت) در منطقه، کمترین شکاف ($Z = -7/71$) وجود دارد.

اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضع موجود و مطلوب مؤلفه‌ی سرمایه انسانی

اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب گویه‌های مربوط به مؤلفه‌ی سرمایه‌ی انسانی در جدول ۵ نشان داده شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد در وضعیت موجود، دسترسی به نیروی کار نیمه ماهر (روزمزد/ قراردادی) در منطقه با میانگین ۲/۸۰ در اولویت اول و آموزش‌های عمومی، فرهنگی و ترویجی در رسانه‌های محلی یا در سطح منطقه برای ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار با میانگین ۲/۳۳ در اولویت چهارم قرار گرفت. نتایج اولویت‌بندی در بخش وضعیت مطلوب نشان می‌دهد، برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی مرتبط با ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار در منطقه با میانگین ۳/۶۶ در اولویت اول و آموزش‌های عمومی، فرهنگی و ترویجی در رسانه‌های محلی یا در سطح منطقه برای ایجاد و توسعه کسب کار با میانگین ۳/۶۳ در اولویت چهارم قرار گرفت. در تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب، نتایج حاکی از شکاف معنی‌دار بین وضعیت مطلوب و موجود اکوسیستم کارآفرینی روستایی در همه گویه‌های مؤلفه‌ی سرمایه انسانی است. به عبارتی، امتیاز وضعیت مطلوب در مقایسه با امتیاز وضعیت موجود در هر گویه در مؤلفه‌ی حمایت به‌طور معنی‌داری بالاتر است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، بین وضعیت مطلوب و موجود گویه آموزش‌های عمومی، فرهنگی و ترویجی در رسانه‌های محلی یا در سطح منطقه برای ایجاد و توسعه‌ی کسب کار ($Z = -9/01$)، بیشترین شکاف وجود دارد. به عبارتی، فاصله امتیاز بین وضعیت مطلوب و موجود گویه آموزش‌های عمومی، فرهنگی و ترویجی در رسانه‌های محلی یا در سطح منطقه برای ایجاد و توسعه‌ی کسب کار بیشترین میزان نسبت به فاصله امتیاز بین وضعیت مطلوب و موجود سایر گویه‌ها است. همچنین در بین گویه‌های مؤلفه‌ی حمایت، بین وضعیت مطلوب و موجود دسترسی به نیروی کار نیمه ماهر (روزمزد/قراردادی) در منطقه کمترین شکاف ($Z = -6/75$) وجود دارد.

اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضع موجود و مطلوب مؤلفه‌ی بازار

اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب گویه‌های مربوط به مؤلفه‌ی بازار در جدول ۶ نشان داده شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد در وضعیت موجود، گویه مربوط به وجود مشتریان اولیه و کلیدی برای معرفی محصولات یا خدمات جدید فراهم شده به‌وسیله صاحبان کسب و کار با میانگین ۲/۲۴ در اولویت اول و دسترسی به شبکه‌ی کارآفرینان و صاحبان کسب و کار ایرانی خارج از کشور جهت تبادل اطلاعات بازار با میانگین ۱/۶۴ در اولویت پنجم قرار گرفت. نتایج اولویت‌بندی در بخش وضعیت مطلوب نشان می‌دهد، وجود مشتریان اولیه و کلیدی برای معرفی محصولات یا خدمات جدیدی که توسط صاحبان کسب و کار با میانگین ۳/۸۳ در اولویت اول و دسترسی به شبکه‌ی کارآفرینان و صاحبان کسب و کار ایرانی

خارج از کشور جهت تبادل اطلاعات بازار با میانگین ۳/۶۲ در اولویت پنجم قرار گرفت. در تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب، نتایج حاکی از شکاف معنی‌دار بین وضعیت مطلوب و موجود اکوسیستم کارآفرینی روستایی در همه گویه‌های مؤلفه‌ی بازار است. به عبارتی، امتیاز وضعیت مطلوب در مقایسه با امتیاز وضعیت موجود در هر گویه در مؤلفه‌ی بازار به‌طور معنی‌داری بالاتر است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، بین وضعیت مطلوب و موجود گویه دسترسی به شبکه‌ی کارآفرینان و صاحبان کسب و کار در سطح کشور جهت تبادل اطلاعات بازار (Z=-۱۰/۰۰)، بیشترین شکاف وجود دارد. به عبارتی، فاصله‌ی امتیاز بین وضعیت مطلوب و موجود گویه دسترسی به شبکه کارآفرینان و صاحبان کسب و کار در سطح کشور جهت تبادل اطلاعات بازار بیشترین میزان نسبت به فاصله امتیاز بین وضعیت مطلوب و موجود سایر گویه‌ها است. همچنین در بین گویه‌های مؤلفه‌ی بازار، بین وضعیت مطلوب و موجود دسترسی به شبکه‌ی کارآفرینان و صاحبان کسب و کار محلی جهت تبادل اطلاعات بازار کمترین شکاف (Z=-۹/۴۹) وجود دارد.

جدول ۴- اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب گویه‌های مؤلفه‌ی حمایت (n= ۱۸۲)

مقایسه میانگین (ویلکاکسون)		آمار توصیفی					وضعیت	میانگین	انحراف معیار	اولویت	مؤلفه‌ی حمایت
سطح معنی‌داری	Z	رتبه متوسط	تعداد نمونه‌ها	رتبه	تعداد						
۰/۰۰۱	-۸/۴۰	۷۱/۲۳	۱۳	۱	۱/۰۹	۲/۸۴	موجود	دسترسی به زیرساخت‌های ارتباط فیزیکی (جاده و ...)	موجود	۱	
		۶۹/۳۲	۱۲۵	۲	۱/۱۱	۳/۸۹	مطلوب				
۰/۰۰۱	-۸/۶۱	۶۸/۶۹	۱۳	۲	۱/۱۷	۲/۷۹	موجود	دسترسی به زیرساخت‌های انرژی (آب، گاز، برق) در منطقه	موجود	۲	
		۷۱/۲۳	۱۲۸	۱	۱/۱۳	۳/۹۶	مطلوب				
۰/۰۰۱	-۷/۷۱	۶۱/۰۲	۲۴	۳	۱/۰۴	۲/۷۶	موجود	دسترسی به زیرساخت‌های ارتباط مجازی (تلفن ثابت و تلفن همراه، اینترنت) در منطقه	موجود	۳	
		۷۵/۳۸	۱۲۱	۳	۱/۱۰	۳/۷۳	مطلوب				
۰/۰۰۱	-۹/۰۹	۵۲/۷۶	۱۹	۴	۱/۰۹	۲/۰۵	موجود	ارائه‌ی خدمات فنی و پشتیبانی (مثلاً فراهم کردن تجهیزات) توسط انجمن‌های صنفی برای صاحبان کسب و کار در منطقه	موجود	۴	
		۸۱/۵۳	۱۳۶	۴	۱/۳۹	۳/۶۵	مطلوب				
۰/۰۰۱	-۹/۴۱	۴۹/۲۴	۱۷	۵	۱/۰۲	۲/۰۴	موجود	برخورداري صاحبان کسب و کار منطقه از مشاوره‌های مالی و حسابداری (مثلاً راهنمایی برای برآورد هزینه‌ی راه‌اندازی یک کسب و کار)	موجود	۵	
		۸۱/۵۴	۱۳۸	۶	۱/۱۶	۳/۵۸	مطلوب				
۰/۰۰۱	-۸/۱۳	۶۲/۴۵	۲۱	۶	۱/۱۰	۲/۰۲	موجود	برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها در خصوص ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار در سطح منطقه	موجود	۶	
		۷۶/۴۹	۱۲۷	۹	۱/۳۲	۳/۳۲	مطلوب				
۰/۰۰۱	-۹/۷۵	۶۴/۵۰	۱۳	۷	۰/۸۷	۲/۰۱	موجود	ترویج و گسترش ایده ایجاد و توسعه کسب و کارها توسط گروه‌های مردم‌نهاد (کمپین‌های مردمی) در سطح منطقه	موجود	۷	
		۸۲/۹۸	۱۴۹	۵	۱/۲۲	۳/۶۳	مطلوب				
۰/۰۰۱	-۹/۳۹	۶۴/۵۹	۱۱	۸	۰/۹۷	۲/۰۰	موجود	برخورداري صاحبان کسب و کار منطقه از مشاوره‌های حقوقی (مثلاً چگونگی اخذ مجوز، چگونگی اخذ معافیت مالیاتی و غیره)	موجود	۸	
		۷۶/۳۶	۱۳۹	۷	۱/۱۱	۳/۵۵	مطلوب				
۰/۰۰۱	-۸/۵۶	۴۷/۳۰	۲۵	۹	۰/۹۹	۱/۸۹	موجود	دسترسی به مراکز مورد نیاز برای دریافت مشاوره‌های علمی و فنی در کسب و کار	موجود	۹	
		۸۱/۶۹	۱۲۶	۱۰	۱/۴۱	۳/۲۷	مطلوب				
۰/۰۰۱	-۸/۵۷	۵۷/۰۵	۲۱	۱۰	۱/۰۵	۱/۸۸	موجود	برگزاری مسابقه‌های ایده و طرح‌های ایجاد و توسعه‌ی کسب و کارها در سطح منطقه	موجود	۱۰	
		۷۹/۶۲	۱۳۱	۸	۱/۳۴	۳/۳۷	مطلوب				

جدول ۵- اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب گویه‌های مؤلفه‌ی سرمایه‌ی انسانی (n= ۱۸۲)

مقایسه میانگین (ویلکاکسون)			آمار توصیفی			وضعیت	میانگین	انحراف معیار	اولویت	مؤلفه‌ی سرمایه‌ی انسانی
سطح معنی‌داری	Z	رتبه متوسط	تعداد نمونه‌ها	رتبه متوسط	اولویت					
۰/۰۰۱	-۶/۷۵	۷۸/۲۵	۲۲	۶۸/۴۵	۱۱۷	موجود	۲/۸۰	۱/۰۶	۱	دسترسی به نیروی کار نیمه ماهر (روزمزد/قراردادی) در منطقه
۰/۰۰۱	-۸/۰۹	۷۱/۱۷	۱۸	۷۲/۸۳	۱۲۸	موجود	۲/۴۵	۱/۱۲	۲	دسترسی به نیروی کار ماهر و با تجربه در منطقه
۰/۰۰۱	-۸/۷۰	۵۷/۳۰	۲۳	۸۲/۷۲	۱۳۴	موجود	۲/۴۱	۱/۰۶	۳	برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی مرتبط با ایجاد و توسعه کسب و کار در منطقه
۰/۰۰۱	-۹/۰۱	۶۱/۷۱	۱۷	۷۹/۴۶	۱۳۷	موجود	۲/۳۳	۰/۹۵	۴	آموزش‌های عمومی، فرهنگی و ترویجی در رسانه‌های محلی یا در سطح منطقه برای ایجاد و توسعه کسب کار

جدول ۶- اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب گویه‌های مؤلفه‌ی بازار (n= ۱۸۲)

مقایسه میانگین (ویلکاکسون)			آمار توصیفی			وضعیت	میانگین	انحراف معیار	اولویت	مؤلفه‌ی بازار
سطح معنی‌داری	Z	رتبه متوسط	تعداد نمونه‌ها	رتبه متوسط	اولویت					
۰/۰۰۱	-۹/۶۸	۶۳/۲۳	۱۳	۸۲/۰۳	۱۴۷	موجود	۲/۲۴	۱/۰۳	۱	وجود مشتریان اولیه و کلیدی برای معرفی محصولات یا خدمات جدید فراهم شده به‌وسیله‌ی صاحبان کسب و کار
۰/۰۰۱	-۹/۸۳	۵۷/۲۳	۱۱	۸۰/۱۱	۱۴۵	موجود	۲/۱۶	۰/۸۸	۲	دسترسی به کانال‌های توزیع، خریداران عمده و خرد برای فروش محصولات یا خدمات عرضه شده
۰/۰۰۱	-۹/۴۹	۴۸/۱۴	۲۱	۸۷/۰۱	۱۴۲	موجود	۲/۰۹	۰/۹۵	۳	دسترسی به شبکه‌ی کارآفرینان و صاحبان کسب و کار محلی جهت تبادل اطلاعات بازار
۰/۰۰۱	-۱۰/۰۰	۴۲/۵۸	۱۳	۸۲/۲۹	۱۴۴	موجود	۱/۸۹	۰/۸۲	۴	دسترسی به شبکه‌ی کارآفرینان و صاحبان کسب و کار در سطح کشور جهت تبادل اطلاعات بازار
۰/۰۰۱	-۹/۹۸	۴۲/۳۶	۱۸	۸۷/۹۸	۱۴۷	موجود	۱/۶۴	۰/۹۳	۵	دسترسی به شبکه‌ی کارآفرینان و صاحبان کسب و کار ایرانی خارج از کشور جهت تبادل اطلاعات بازار

اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضع موجود و مطلوب مؤلفه‌های اکوسیستم کارآفرینی روستایی

اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب مؤلفه‌های اکوسیستم کارآفرینی در جدول ۷ نشان داده شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد در وضعیت موجود، مؤلفه‌های سرمایه‌ی انسانی و حمایت با میانگین ۲/۸۷ و ۲/۷۰ به ترتیب در اولویت‌های اول و دوم قرار گرفتند. از طرفی، مؤلفه‌های تأمین مالی و سیاست با میانگین ۲/۲۰ و ۲/۱۸ به ترتیب در اولویت‌های پنجم و ششم قرار گرفتند. این در حالی است که نتایج اولویت‌بندی در بخش وضعیت مطلوب نشان می‌دهد، مؤلفه‌های بازار و فرهنگ با میانگین ۴/۰۷ و ۴/۰۴ به ترتیب در اولویت‌های اول و دوم قرار گرفتند. از طرفی، مؤلفه‌های تأمین مالی و سیاست با میانگین ۳/۹۰ و ۳/۸۵ به ترتیب در اولویت‌های پنجم و ششم قرار گرفتند. در تحلیل شکاف بین وضع موجود و مطلوب، نتایج حاکی از شکاف معنی‌دار بین وضعیت مطلوب و موجود اکوسیستم کارآفرینی روستایی در همه‌ی ابعاد اکوسیستم کارآفرینی روستایی است. به عبارتی، امتیاز وضعیت مطلوب در مقایسه با امتیاز وضعیت موجود در هر مؤلفه از اکوسیستم کارآفرینی روستایی به‌طور معنی‌داری بالاتر است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، بین وضعیت مطلوب و موجود مؤلفه‌های سیاست ($Z = -10/87$)، تأمین مالی ($Z = -10/75$) و فرهنگ ($Z = -10/60$)، به ترتیب بیشترین شکاف وجود دارد. به عبارتی، فاصله امتیاز بین وضعیت مطلوب و موجود مؤلفه‌های فرهنگ، تأمین مالی و سیاست به ترتیب بیشترین میزان نسبت به فاصله امتیاز بین وضعیت مطلوب و موجود سایر مؤلفه‌ها است.

همچنین در بین مؤلفه‌های اکوسیستم کارآفرینی روستایی، بین وضعیت مطلوب و موجود مؤلفه‌ی سرمایه‌ی انسانی کمترین شکاف ($Z = -9/09$) وجود دارد.

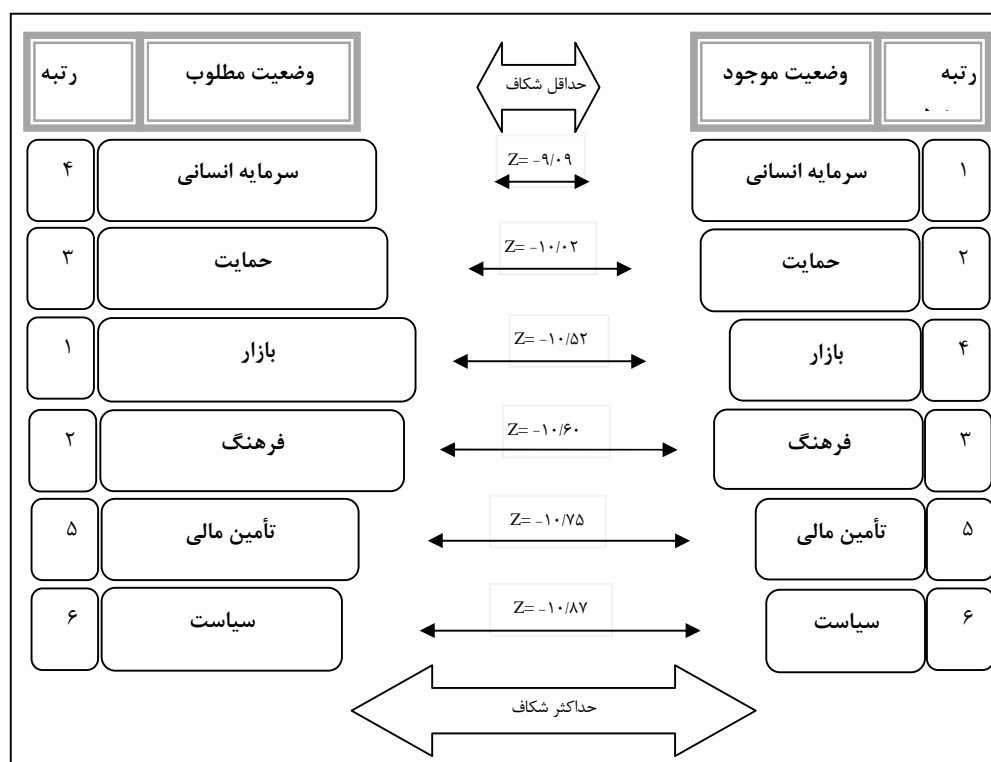
جدول ۷- اولویت‌بندی و تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب مؤلفه‌های اکوسیستم کارآفرینی روستایی ($n = 182$)

سطح معنی‌داری	Z	مقایسه میانگین (ویلاکسون)		آمار توصیفی			وضعیت	اکوسیستم کارآفرینی روستایی
		رتبه متوسط	تعداد نمونه‌ها	انحراف معیار	میانگین	اولویت		
۰/۰۰۱	-۹/۰۹	۵۹/۵۶	۱۶	۰/۸۴	۲/۸۷	۱	موجود	مؤلفه‌ی سرمایه‌ی انسانی
		۷۷/۹۵	۱۳۵	۰/۹۷	۳/۹۸	۴	مطلوب	
۰/۰۰۱	-۱۰/۰۲	۶۰/۰۰	۹	۰/۶۹	۲/۷۰	۲	موجود	مؤلفه‌ی حمایت
		۷۹/۱۱	۱۴۶	۰/۸۸	۴/۰۲	۳	مطلوب	
۰/۰۰۱	-۱۰/۶۰	۳۲/۵۰	۴	۰/۶۵	۲/۶۱	۳	موجود	مؤلفه‌ی فرهنگ
		۷۷/۱۸	۱۴۷	۰/۸۸	۴/۰۴	۲	مطلوب	
۰/۰۰۱	-۱۰/۵۲	۵۶/۰۷	۷	۰/۶۵	۲/۳۶	۴	موجود	مؤلفه‌ی بازار
		۸۲/۶۵	۱۵۵	۱/۰۰	۴/۰۷	۱	مطلوب	
۰/۰۰۱	-۱۰/۷۵	۸۴/۰۰	۲	۰/۷۲	۲/۲۰	۵	موجود	مؤلفه‌ی تأمین مالی
		۷۹/۴۴	۱۵۶	۰/۹۶	۳/۹۰	۵	مطلوب	
۰/۰۰۱	-۱۰/۸۷	۲۹/۰۰	۵	۰/۵۸	۲/۱۸	۶	موجود	مؤلفه‌ی سیاست
		۸۲/۱۶	۱۵۵	۱/۰۲	۳/۸۵	۶	مطلوب	

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

وجود اکوسیستم کارآفرینی مناسب در مناطق روستایی تا حدود زیادی تضمین‌کننده پایداری کسب و کارهای روستایی است. بر این اساس، هدف تحقیق حاضر، بررسی وضعیت و تحلیل شکاف وضعیت موجود و مطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی در حوضه‌ی آبریز دشت هراز بود. همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان داد، اکوسیستم کارآفرینی روستایی در حوضه‌ی آبریز دشت هراز در وضعیت مناسبی قرار ندارد. همچنین سایر تحقیقات نشان داده‌اند که فضای کسب و کار ایران فاقد یک اکوسیستم کارآفرینی مناسب می‌باشد (دفتر دیده‌بان جهانی کارآفرینی ایران، ۱۳۹۴). مطابق با نگاره ۲، در تحلیل شکاف بین وضعیت مطلوب و موجود اکوسیستم کارآفرینی روستایی، نتایج نشان داد، بین وضعیت مطلوب و موجود اکوسیستم کارآفرینی روستایی بیشترین مورد مربوط به مؤلفه‌ی سیاست است. قمبرعلی و همکاران (۱۳۹۵)، در واکاوای برنامه‌های پنج ساله کشور نشان دادند، در روند توجه به کارآفرینی، سیاست‌گذاری در این حوزه، در برنامه پنجم توسعه‌ی کشور نسبت به قبل کم‌رنگ‌تر شده است. بررسی دفتر دیده‌بان جهانی کارآفرینی ایران (۱۳۹۴)، حاکی از آن است که به‌طور کلی محیط کسب و کار در کشور با چالش‌های زیادی مواجه است و نیازمند سیاست‌گذاری‌های جدید و مشوق‌های جدی است. لذا با توجه به نتایج این تحقیق و گزارش‌های قبلی می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت سیاست‌گذاری در حوزه‌ی اکوسیستم و فضای کسب و کار و کارآفرینی کشور ضعیف و نامناسب است. در تحلیل شکاف بین وضعیت مطلوب و موجود مربوط به گویه‌های مؤلفه‌ی سیاست، نتایج نشان داد، بین وضعیت مطلوب و موجود گویه‌های حمایت دولت محلی از صاحبان کسب و کار ورشکسته و قوانین معافیت مالیاتی برای ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار بیشترین شکاف وجود دارد. این در صورتی است که وجود قوانین حمایت‌کننده از کارآفرینان بسیار مهم است. چنان‌که موحدی و همکاران (Movahedi et al., 2017) نشان دادند که حمایت قانونی در توسعه‌ی کسب و کار مؤثر است. همچنین مطابق با نگاره ۲، نتایج نشان داد که بعد از مؤلفه‌ی سیاست، بیشترین شکاف بین وضعیت مطلوب و موجود اکوسیستم کارآفرینی روستایی مربوط به مؤلفه‌ی تأمین مالی است. در تحلیل شکاف بین وضعیت مطلوب و موجود مربوط به گویه‌های مؤلفه‌ی تأمین مالی نتایج نشان داد، بین وضعیت مطلوب و موجود گویه‌ی برنامه وام و تسهیلات برای ایجاد و توسعه کسب و کار بیشترین شکاف وجود دارد. شمس‌الدینی و حسینی (۱۳۹۰)، نشان دادند که دولت و بخش خصوصی تمایل زیادی برای تأمین منابع مالی لازم جهت توسعه‌ی کارآفرینی ندارند. این در حالی است که

مطابق با تحقیق ایزدی و همکاران (۱۳۹۵)، عدم دسترسی به منابع مالی مورد نیاز یکی از موانع مهم توسعه‌ی کسب و کار توسط روستاییان به شمار می‌رود. لذا، مطابق با تحقیق موحدی و همکاران (Movahedi et al., 2017)، میزان دسترسی جامعه‌ی روستایی به تسهیلات مالی و اعتباری لازم در جهت راه‌اندازی کسب و کارها در روستاها بسیار حائز اهمیت است. همان‌طور که قبلاً گفته شد، اکوسیستم کارآفرینی شامل مجموعه‌ای از کنشگران و عوامل وابسته به یکدیگر هستند که به نحوی هماهنگ شده بستر مناسب برای کارآفرینی را فراهم می‌کنند. در بین کنشگران مختلف و متعدد، نقش قانون‌گذاران، دست‌اندرکاران و مسئولین مربوطه در فراهم کردن اکوسیستم مطلوب بسیار مهم و حائز اهمیت است. لذا، لازم است در راستای پر کردن خلأهای موجود (بر طبق یافته‌های تحقیق) که عمدتاً ناظر بر عملکرد نهادهای قانون‌گذار و بخش‌های اجرایی است، قانون‌گذاران و مجریان از ابعاد مختلف به موضوع کارآفرینی و فراهم کردن محیط کسب و کار مطلوب توجه کنند. به‌طوری که اولاً، بستری مناسب برای صاحبان کسب و کار ورشکسته فراهم شود. چرا که کارآفرینان ورشکسته اغلب با تجربه، دارای دانش کافی و همچنین از ارتباطات گسترده در جهت توسعه‌ی کسب و کار برخوردارند که این امر موجب افزایش احتمال موفقیت آن‌ها و استمرار و توسعه‌ی کسب و کارشان می‌شود. از سوی دیگر، به‌منظور تشویق کارآفرینان در مناطق روستایی حوضه‌ی آبریز دشت هراز و گسترش کسب و کار در کنار برنج‌کاری، سهولت در اخذ مجوزها و پروانه‌های کسب و کار جدید از ارگان‌های ذی‌ربط را در دستور کار قرار دهند. همچنین با تأمین مالی مناسب، شرایط اولیه‌ی مناسبی برای تشویق شالیکاران جهت راه‌اندازی کسب و کار در کنار شالیکاری در حوضه آبریز دشت هراز فراهم کنند.



نگاره ۲- شکاف وضعیت موجود و مطلوب مؤلفه‌های اکوسیستم کارآفرینی روستایی مؤثر در توسعه‌ی فعالیت‌های کارآفرینانه

منابع

اسکو، ت.، چیذری، م.، و رسولی، س. ف. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر رهیافت مشارکتی مدرسه مزرعه کشاورز (FFS) بر دانش و نگرش شالیکاران پیرامون مبارزه بیولوژیک علیه کرم ساقه خوار برنج. *مجله علوم کشاورزی ایران*، دوره ۲-۳۸، شماره ۳، صص، ۱۱۹-۱۰۹.

- ایزدی، ب.، رضائی‌مقدم، ک.، و اسداله‌پور، ع. (۱۳۹۵). سازه‌های موثر و موانع تحقق توسعه کارآفرینی در مشاغل خانگی بخش کشاورزی در مناطق روستایی شیراز. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۳۹-۶۱.
- بی‌نام. (۱۳۸۲). ســنــد چــشم‌اــنــداز ۱۴۰۴. قــابــل دســترســی در آدرس اینترنــت: http://www.yu.ac.ir/uploads/Sanad%20Cheshmandaz_971.pdf.
- جلیلی، م. (۱۳۹۶). کشت دوم برنج در مازندران: ظلم نابخشودنی در پایداری آبی. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://b2n.ir/ess.ir>.
- جوان، ج.، شایان، ح.، نوغانی، م.، و قاسمی، م. (۱۳۹۰). پایداری‌سازی جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مشهد- با تأکید بر رویکرد متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی. *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، شماره ۱۶، صص ۱۴۴-۱۲۵.
- جوان، ج.، و حیدری مکرر، ح. (۱۳۹۰). نقش چاهک‌ها در متنوع‌سازی اقتصاد روستایی. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۷۶، صص ۴۹-۶۶.
- خنیفر، ح.، رحمتی، م.، ح.، و گلدار، ز. (۱۳۸۹). *تحلیل محیط در کارآفرینی*. کرمان: انتشارات جهاد دانشگاهی استان کرمان.
- داوری، ع.، سفیدبری، ل.، و باقرصاد، و. (۱۳۹۶). عوامل اکوسیستم کارآفرینی ایران بر اساس مدل آیزنبرگ. *مجله توسعه کارآفرینی*، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۰۰-۱۲۰.
- دفتر دیده‌بان جهانی کارآفرینی ایران. (۱۳۹۴). ارزیابی شاخص‌های کارآفرینی در ایران بر اساس مدل دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM). طرح تحقیقاتی. کارفرما: موسسه کار و تامین اجتماعی. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://b2n.ir/ent.ut.ac.ir>
- رضایی، ب.، نادری، ن.، و رستمی، س. (۱۳۹۷). تحلیل راهبردی توسعه کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی (مورد مطالعه شهرستان کرمانشاه). *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۳۷-۵۱.
- رضوانی، م. ر. (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر توسعه روستایی در ایران*. تهران: نشر قومس.
- ریفکین، ج. (۱۳۷۹). *پایان کار، (زوال نیروی کار جهانی و طلوع عصر پسا بازار)*. مترجم: حسن مرتضوی. تهران: نشر دانش ایران.
- سجاسی‌قیداری، ح.، رکن‌الدین افتخاری، ع.، و پورطاهری، م. (۱۳۹۳). تدوین و اعتبارسنجی شاخص‌های توسعه کارآفرینی اکوتوریستی در مناطق روستایی. *مجله چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی*، شماره ۲۶، صص ۴۵-۷۰.
- شرکت سهامی آب منطقه‌ای مازندران. (۱۳۹۷). شرکت سهامی آب منطقه‌ای مازندران. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: http://www.mzrw.ir/SC.php?type=component_sections&id=18
- شریف‌زاده، م. ش.، و عبدالله‌زاده، غ. ح. (۱۳۹۶). ارزیابی تطبیقی پایداری کسب و کارهای کارآفرینانه کشاورزی و نظام‌های متعارف تولید کشاورزی در استان گلستان. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۱-۲۰.
- شکریبگی، ع.، و قزوینه، ژ. (۱۳۹۶). روسپی‌گری زنان (مورد پژوهی روسپی‌گری زنان کولی در محله حکمت آباد کرمانشاه). *مجله مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۱۶۴-۱۴۵.
- شمس‌الدینی، ع.، و حسینی، س. ن. (۱۳۹۰). نقش تعاونی‌های صنایع کوچک در اشتغال‌زایی و توسعه روستاها. *مجله تعاون*، دوره ۲۲، شماره ۶، صص ۱۳۵-۱۵۶.
- صالحی امیری، س. ر.، و شاه‌حسینی، ع. (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های کارآفرینی و اثربخشی مدیران واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی. *مجله مدیریت فرهنگی*، دوره ۴، شماره ۱۰، صص ۱۵-۳۲.
- طغرابی، م. ت.، رضوانی، م.، مبارکی، م. ح.، یداللهی فارسی، ج.، و میرزایی، ز. (۱۳۹۵). شناسایی عوامل محیطی مؤثر بر کارآفرینی فرهنگی در صنایع دستی عشایری. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، دوره ۵، شماره ۳، صص ۳۶-۱۹.

عبدالله‌زاده، غ. ح.، جزینی، ا.، و شریف‌زاده، م. ش. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر عملیاتی شدن ایده‌های کسب‌وکار مورد: کارآموزان پایگاه‌های آموزش روستایی استان اصفهان. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، دوره ۳، دوره ۳، صص ۱۲۹-۱۱۱.

فراهانی، ح.، رسولی‌نیا، ز.، و اصدقی سراسکانرود، ز. (۱۳۹۳). عوامل اثرگذار بر رشد کارآفرینی در نواحی روستایی مورد: دهستان جابرانصار در شهرستان آبدانان. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، دوره ۳، شماره ۳، صص ۱۶-۱.

قدیری معصوم، م.، مهدوی، م.، و اسماعیل‌نیا، ح. (۱۳۸۳). توسعه‌ی اشتغال در نواحی روستایی (مطالعه‌ی موردی: شهرستان لاهیجان). *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۴۸، صص ۱۵۸-۱۳۹.

قمبرعلی، ر.، آگهی، ح.، علی‌بیگی، ا. ح.، و زرافشانی، ک. (۱۳۹۵). واکاوی محتوای سیاست‌ها در تطابق با ابعاد اکوسیستم کارآفرینی. *مجله توسعه کارآفرینی*، دوره ۹، شماره ۱، صص ۵۸-۳۹.

محمدی یگانه، ب.، و ولایی، م. (۱۳۹۳). تنوع‌بخشی به اقتصاد روستاها جهت تحقق توسعه پایدار مورد: دهستان مرحمت آباد شمالی شهرستان میاندوآب. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، دوره ۳، شماره ۲، صص ۷۰-۵۴.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۴ الف). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی کل کشور. تهران: نشر مرکز آمار ایران دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۴ ب). *آمارنامه کشاورزی سال ۹۳*؛ آمارهای موضوعی: زراعت. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: b2n.ir/amar.org.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۴ پ). *آمارنامه کشاورزی سال ۹۳*. چاپ اول. تهران: نشر وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵ الف). *آمارنامه کشاورزی سال ۱۳۹۴*. جلد ۳. تهران: نشر وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵ ب). داده‌ها و اطلاعات آماری. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://b2n.ir/993259>.

نوذری، ح. ع. (۱۳۷۹). *فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ نگاری*. تهران: انتشارات طرح نو.

نجفی کانی، ع. ا.، حسام، م.، و آشور، ح. (۱۳۹۴). سنجش وضعیت توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی مورد: دهستان استرآباد جنوبی در شهرستان گرگان. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، دوره ۴، شماره ۱، صص ۵۶-۳۷.

Alvarez, C., Urbano, D., Coduras, A., and Ruiz-Navarro, J. (2011). Environmental conditions and entrepreneurial activity: A regional comparison in Spain. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 18(1), 120-140.

Christian, R. R. (2009). Concepts of ecosystem, level, and scale. *Ecology*, 1, 1-5.

DeRosa, M., McElwee, G., and Smith, R. (2019). Farm diversification strategies in response to rural policy: A case from rural Italy. *Land Use Policy*, 18, 291-301.

Dodd, S. D., and Anderson, A. R. (2007). Mumpsimus and the mything of the individualistic entrepreneur. *International Small Business Journal*, 25, 341-360.

Dries, L., Pascucci, S., and Gardebroeck, C. (2011). Pluriactivity in Italian agriculture: Are farmers using interlinked strategies? EAAE 2011 Congress Change and Uncertainty, Challenges for Agriculture, Food and Natural Resources, ETH Zurich, Zurich, Switzerland, August 30 to September 2, 1-15.

FAO. (2013). *2014 IYFF FAO concept note* (Modified 9 May 2013). Available at: http://www.fao.org/fileadmin/templates/nr/sustainability_pathways/docs/2014_IYFF_FAO_Concept_Note.pdf.

Greve, A., and Salaff, J. (2003). Social networks and entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 28(1), 1-22.

Haugen, M. S. and Vik, J. (2008). Farmers as entrepreneurs: the case of farm-based tourism. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 6(3), 321- 336.

Insel, P. M., and Moos, R. H. (1974). Psychological environments: Expanding the scope of human ecology. *American Psychologist*, 29 (3), 179-188.

- Isenberg, D. J. (2010). *How to start an entrepreneurial revolution*. *Harvard Business Review*. Available at: <<https://b2n.ir/664574>>.
- Isenberg, D. J. (2011). *The entrepreneurship ecosystem strategy as a new paradigm for economic policy: Principles for cultivating entrepreneurship*. Institute of International European Affairs, Dublin, Ireland. Available at: <https://www.slideshare.net/DanIsenberg/the-entrepreneurship-ecosystem-strategy-for-economic-growth-policy-ieea-dublin-2011-1?from_action=save>.
- Israel, G. D. (1992). Determining sample size. *Program Evaluation and Organizational Development, IFAS, University of Florida, PEOD-6*. Available at: <https://www.academia.edu/21353552/Determining_Sample_Size_1>.
- Klyver, K., and Foley, D. (2012). Networking and culture in entrepreneurship. *Entrepreneurship & Regional Development*, 24(7-8), 561-588.
- Lordkipanidze, M., Brezet, H., and Backman, M. (2005). The entrepreneurship factor in sustainable tourism development. *Journal of Cleaner Production*, 13(8), 787-798.
- Lu, J., and Tao, Z. (2010). Determinants of entrepreneurial activities in China. *Journal of Business Venturing*, 25, 261-273.
- Marshall, M. I., and Samal, A. (2006). The effect of human and financial capital on the entrepreneurial process: An urban-rural comparison of entrepreneurs in Indiana. No 06-13, Working Papers, Purdue University, College of Agriculture, Department of Agricultural Economics. Available at: <<https://ageconsearch.umn.edu/bitstream/28651/1/wp060013.pdf>>.
- Mason, C., and Brown, R. (2014). *Entrepreneurial ecosystems and growth oriented entrepreneurship*. OECD Publishing. Available at: <<http://www.oecd.org/cfe/leed/entrepreneurial-ecosystems.pdf>>.
- McElwee, G. (2008). A taxonomy of entrepreneurial farmers. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 6(3), 465-478.
- McKague, K., Wong, J., and Siddiquee, N. (2017). Social franchising as rural entrepreneurial ecosystem development: The case of Krishi Utsho in Bangladesh. *The International Journal of Entrepreneurship and Innovation*, 18(1), 47-56.
- Morales, M., and Velilla, J. (2018). *The effect of cultural environment on entrepreneurial decisions*. Munich Personal RePEc Archive (MPRA) Paper No. 83835. Munich Personal RePEc Archive. Available at: <<https://mpa.ub.uni-muenchen.de/83835/>>.
- Morris, W., Henley, A., and Dowell, D. (2017). Farm diversification, entrepreneurship and technology adoption: analysis of upland farmers in Wales. *Journal of Rural Studies*, 53, 132-143.
- Movahedi, R., Samian, M., Yaghoubi Farani, A., and Mirzaei, K. (2017). Factors affecting the development and strengthening of rural women enterprises in Iran. *International Journal of Agricultural Management and Development*, 7(2), 155-164.
- The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD). (2015). *New approaches to SME and entrepreneurship financing: Broadening the range of instruments*. OECD Publishing. Available at: <<https://www.oecd.org/cfe/smes/New-Approaches-SME-full-report.pdf>>.
- Rantamaki-Lahtinen, L. (2009). *The success of the diversified farm resource-based view*. Dissertation of Faculty of Agriculture and Forestry. Finland: University of Helsinki, Helsinki.
- Shao-quan, L., Hai-qin, Z., Fang-ting, X., and Shi-li, G. (2013). Current situation and influencing factors of pluriactivity in mountainous and Hilly rural areas of Sichuan province, China. *Journal of Mountain Science*, 10(3), 445-454.
- Singh, A. S., and Masuku, M. B. (2014). Sampling techniques and determination of sample size in applied statistics research: An overview. *International Journal of Economics, Commerce and Management*, 2(11), 1-22.
- Spigel, B. (2017). The relational organization of entrepreneurial ecosystems. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 41(1), 49-72.
- Stam, E. (2015). Entrepreneurial ecosystems and regional policy: A sympathetic critique. *European Planning Studies*, 23(9), 1759-1769.
- Stam, E., and Spigel, B. (2016). *Entrepreneurial ecosystems*. Tjalling C. Koopmans Research Institute, Discussion Paper Series 16-13, 1-15. Available at: <<https://www.uu.nl/en/file/55729/download?token=dzRMYt-t>>.
- Taber, K. S. (2017). The use of Cronbach's Alpha when developing and reporting research instruments in science education. *Research in Science Education*, 48(6), 1273- 1296.
- Vik, J. and McElwee, G. (2011). Diversification and the entrepreneurial motivations of farmers in Norway. *Journal of Small Business Management*, 49(3), 390-410.

-
- Wolfe, D. A. (2005). *The role of universities in regional development and cluster formation*. In Glen A. Jones, Patricia L. McCarney, and Michael L. Skolnik (Eds.), *Creating knowledge, strengthening nations: The changing role of higher education*. (pp. 167–194). Toronto: University of Toronto Press.
- World Economic Forum. (2013). Entrepreneurial ecosystems around the globe and company growth dynamics. Report Summary for the Annual Meeting of the New Champions 2013. Available at: <<https://www.weforum.org/reports/entrepreneurial-ecosystems-around-globe-and-company-growth-dynamics>>.
- Yaribeigi, E., Hosseini, S. J., Lashgarara, F., Mirdamadi, S. M., and Omidi Najafabadi, M. (2014). Development of entrepreneurship ecosystem. *International Journal of Advanced Biological and Biomedical Research*, 2(12), 2905-2908.

Article Type: Research Article

Analysis of the Entrepreneurial Ecosystem Situation Affecting the Development of Rural Entrepreneurial Activities: Insights from a Survey among Pluriactive Rice Farmers in the Watershed of the Haraz Plain, Iran

H. Moumenihelali¹, H. Sadighi^{2*}, M. Chizari³ and E. Abbasi⁴

(Received: Sep 07, 2019; Accepted: Dec 21, 2019)

Abstract

Existing a desired entrepreneurial ecosystem in rural areas largely guarantees the sustainability of rural businesses. The main purpose of the study was to analyze the current and desired situation of the rural entrepreneurship ecosystem in the watershed of the Haraz plain. The research has been conducted using survey and required data were collected by a researcher-made questionnaire based on the Isenberg's Entrepreneurial Ecosystem Model. The statistical population of the study consisted of pluriactive rice farmers in the watershed of the Haraz plain. From whom 182 subjects were identified using snowball sampling. The results of the current situation of the rural entrepreneurship ecosystem showed that the human capital component is in ranked first. However, the policy and financial components were ranked lowest, respectively. Also, the results showed that in the desired situation of the rural entrepreneurship ecosystem, the market component is in the first rank. However, the policy and financial components were ranked lowest, respectively. The results of the Wilcoxon test showed that the deepest gap between the desired and the current situation belongs to the policy and financial components.

Keywords: Rural Entrepreneurial Activities, Isenberg Entrepreneurial Ecosystem Model, Watershed of the Haraz Plain.

¹ Ph.D. Student, Department of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, Tarbiat Modares University (TMU). Tehran, Iran.

² Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, Tarbiat Modares University (TMU). Tehran, Iran.

³ Professor, Department of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, Tarbiat Modares University (TMU). Tehran, Iran.

⁴ Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, Tarbiat Modares University (TMU). Tehran, Iran.

* Corresponding Author, Email: sadigh_h@modares.ac.ir